

آزمون حضوری  
شماره دو



## مرورنامه آزمون آزمایشی خلی سیز

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
جامعه شناسی (۲)	فصل اول، درس ۱ تا ۵ صفحه ۱ تا ۴۴	۲	۱۵	محمد ابراهیم مازنی	سعید ستوده مهر



## درس ۱ یازدهم: جهان فرهنگی

### پرسش‌های اساسی هر فرهنگ

● هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود، به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد.

این پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند و به مثابه روح یا شالوده آن فرهنگ عمل می‌کنند.  
پرسش‌های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

- ۱) هستی‌شناسانه: مانند این پرسش که «آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟»
  - ۲) انسان‌شناسانه: مانند این پرسش که «آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟»
  - ۳) معرفت‌شناسانه: مانند این پرسش که «آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟»
- پاسخ‌های متفاوت به این پرسش‌های اساسی → جهان‌های فرهنگی مختلفی پدید می‌آورد.

### جهان انسانی

● مجموعه پدیده‌ها را به دلیل گستردگی و اهمیتشان، جهان می‌نامند. یکی از این جهان‌ها، جهان انسانی است.

جهان انسانی در برابر جهان تکوینی قرار می‌گیرد.  
هرچه با اندیشه و عمل انسان‌ها پدید آید، مربوط به این جهان است.  
محصول زندگی انسان است.  
جهان انسانی به دو بخش تقسیم می‌شود:  
فردی (ذهنی) → به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها بازمی‌گردد. ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها و هم‌چنین دانسته‌ها، تجربیات و خلقیات ویژه هر فرد، به این بخش تعلق دارد.  
اجتماعی (فرهنگی) → زندگی اجتماعی انسان‌ها را دربر می‌گیرد. این بخش هویت فرهنگی دارد.

فرهنگ، شیوه زندگی اجتماعی انسان‌ها را شکل می‌دهد و خود، محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست.

### ارتباط بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی -

دربارۀ موضوعی خاص می‌اندیشد، در محدوده فردی و ذهنی خود قرار دارد.  
وقتی فردی اندیشه‌اش را به صورت گفته یا نوشته بیان می‌کند؛ برای مثال کتابی می‌نویسد، مجسمه‌ای می‌سازد و یا به دیگری مهر می‌ورزد، به جهان فرهنگی وارد می‌شود.

### تناسب و هماهنگی بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی -

● بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی، تناسب و هماهنگی وجود دارد:

«هر فرهنگی، نوعی خاص از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به وجود می‌آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات، اجازه بروز می‌دهد.»

جهان فرهنگی

جهان ذهنی

«هر نوع عقیده و اخلاقی، فرهنگی متناسب با خود را جست‌وجو می‌کند.»



## جهان تکوینی

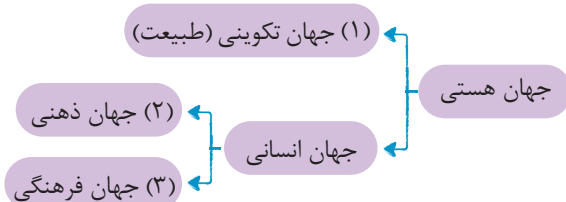
● دانستیم که به مجموعه پدیده‌های انسانی، جهان انسانی می‌گویند، اما همه پدیده‌هایی که در جهان هستی وجود دارند، محصول زندگی انسان‌ها نیستند؛ بنابراین در مقابل جهان انسانی، جهان دیگری به نام **جهان تکوینی** وجود دارد.

← شامل پدیده‌هایی است که وجود آن‌ها، مستقل از خواست و اراده انسان است.  
← پیش از انسان هم وجود داشته است.

### جهان تکوینی

#### متفکران مادی گرا:

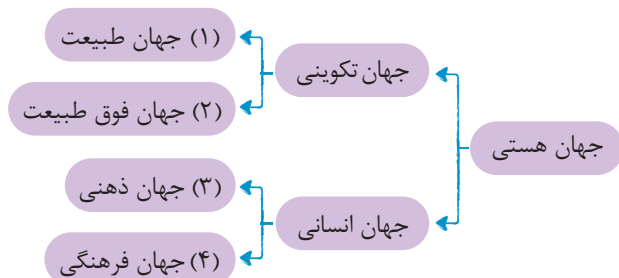
- جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود می‌کنند.
  - طبیعت را در مقابل جهان انسانی قرار می‌دهند.
  - جهان انسانی را به دو بخش ذهنی و فرهنگی تقسیم می‌کنند.
- نتیجه: از وجود سه جهان سخن می‌گویند:



#### متفکران مسلمان:

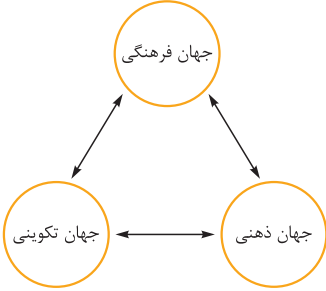
- جهان تکوینی را به طبیعت محدود نمی‌دانند.
- جهان طبیعت را بخشی از جهان تکوینی می‌دانند.
- جهان تکوینی را به دو بخش طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.

نتیجه: از وجود چهار جهان سخن می‌گویند:



## تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی

● در ارتباط با تعامل جهان‌های مختلف، سه دیدگاه وجود دارد:

<p>براساس این دیدگاه جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود و جهان طبیعت، مهم‌تر از جهان ذهنی و فرهنگی است. ذهن افراد و فرهنگ، هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آن‌ها، نظیر علوم طبیعی است.</p> <p>● طرفداران این دیدگاه، بین علوم طبیعی و علوم انسانی، تفاوتی قائل نیستند ← نتیجه ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌شود.</p> 	<p><b>دیدگاه اول (طبیعت‌گرایان)</b></p>
<p>● این گروه، جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند.</p> <p>جهان ذهنی و فردی افراد، تابع فرهنگ آن‌هاست.</p> <p>در این دیدگاه جهان تکوینی ماده‌ی خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع در آن دخیل و تصرف می‌کنند. جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.</p> 	<p><b>دیدگاه دوم (فرهنگ‌گرایان)</b></p>
<p>● براساس این دیدگاه، جهان‌های فرهنگی، ذهنی و تکوینی، مهم و در تعامل با یکدیگرند.</p> <p>جهان تکوینی محدود به طبیعت نیست.</p> <p>ادراک و آگاهی به انسان منحصر نمی‌شود.</p> <p>جهان تکوینی براساس حکمت و خواست خداوند سبحان، با افراد و جوامع انسانی رفتاری حکیمانه دارد.</p> <p>از نگاه قرآن، بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ تأکید می‌کند.</p> <p>جامعه و فرهنگ و جهان فردی اشخاص، هر دو مهم هستند.</p> <p>مثلاً قرآن، از زندگی و مرگ امت‌ها سخن می‌گوید.</p> <p>هرگاه انسان، اخلاق الهی داشته باشد؛ جهان تکوینی درهای برکات خود را به روی جامعه، فرهنگ توحیدی داشته باشد؛ آن‌ها می‌گشاید.</p> <p>افراد و جامعه، هویتی مشرکانه داشته باشند؛ زمین و آسمان از تعامل سازنده با آن‌ها، سر باز می‌زنند. ظرفیت‌های الهی و آسمانی، از انسان‌ها پنهان می‌ماند.</p> 	<p><b>دیدگاه سوم (دیدگاه قرآن و متفکران مسلمان)</b></p>



## نکته

برخی دیدگاه‌ها، بر شناخت درستی از انسان و جهان هستی استوار نیستند. اگر انسان از خود و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی باز می‌ماند و نمی‌تواند استعدادهایش را به‌طور کامل شکوفا کند. قرآن کریم، باورها و اعمالی را که نمی‌گذارند انسان حقیقت خویش و جهان هستی را درک کند، «اغلال و سلاسل» می‌نامند. اغلال و سلاسل، زنجیرهایی هستند که انسان را در دنیا و آخرت به بند می‌کشند.

## درس ۲ یازدهم: فرهنگ جهانی

● فرهنگ‌های مختلف (و هم‌چنین برخی عناصر فرهنگی)، گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند.

- در زمانی واحد، در سرزمین متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند.
- برخی فرهنگ‌ها در مناطقی محدود شکل می‌گیرند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمی‌کنند، ولی برخی دیگر گسترش بسیاری دارند. (فرهنگ جهانی)
- در طول زمان، در سرزمینی واحد، فرهنگ‌های متفاوتی پدید می‌آیند.
- عمر برخی فرهنگ‌ها کوتاه و برخی دیگر طولانی است.

## چه فرهنگ‌هایی جهانی می‌شوند؟

● فرهنگ‌ها متنوع‌اند و این تنوع، به عقاید و ارزش‌های اساسی و کلان آن‌ها برمی‌گردد.

- تعریف: فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در جهان گسترش می‌یابد، فرهنگ جهانی است.
- فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها، از محدوده قومی و منطقه‌ای خود عبور نمی‌کنند.
- مربوط به قوم و منطقه خاصی است
- در صورتی که نسبت به سایر اقوام و مناطق، نگاهی سلطه‌جویانه داشته باشند، از محدوده قومی و منطقه‌ای خود فراتر می‌روند.

### گونه نخست فرهنگ جهانی:

- فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن، متعلق به قوم، منطقه یا گروه خاصی است، ولی نگاه سلطه‌جویانه دارد.
- چنین فرهنگی، با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به دو منطقه مرکزی و پیرامونی تقسیم می‌کند؛ منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می‌گیرد.

- فرهنگ صهیونیسم: آرمان‌ها و ارزش‌های صهیونیسم، نژاد خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و با رویکرد دنیوی خود، دیگران را به خدمت می‌گیرد.
- فرهنگ سرمایه‌داری: کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون آن به خدمت می‌گیرد.
- فرهنگ سلطه یا استکبار: تسلط یک قوم، جامعه و گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگران را به ضعف و ناتوانی می‌کشانند.
- مدینه تغلب، جهان‌گشایی، امپریالیسم، استعمار: (در درس آینده با این فرهنگ‌ها آشنا می‌شویم).

### گونه دوم فرهنگ جهانی:

- فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن در خدمت گروه یا قوم خاصی نیست؛ بلکه سعادت همه انسان‌ها را دنبال می‌کند و از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن می‌گوید.

- فرهنگ حق: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن، مطابق نیازهای فطری است. (فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق است، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می‌نامد).
- فرهنگ اسلام: (در درس ۴ با آن آشنا می‌شویم).



## فرهنگ جهانی مطلوب، چه ویژگی‌هایی دارد؟

- عقاید و ارزش‌های فرهنگ جهانی، باید عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی باشد که از آن‌ها به عقاید و ارزش‌های عام و جهان‌شمول یاد می‌شود.
- فرهنگ جهانی، باید دارای ۶ ویژگی باشد:

۱) **حقیقت** اگر فرهنگ به حقیقتی قائل نباشد، نمی‌تواند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشد. نتیجه: فرهنگ نمی‌تواند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کند.

۲) **معنویت** فرهنگ جهانی با دارابودن این ویژگی به پرسش‌های بنیادین درباره مرگ و زندگی پاسخ می‌دهد. به نیازهای ابدی و معنوی توجه می‌کند. اگر فرهنگ صرفاً به نیازهای مادی و دنیوی توجه کند بشر را به بحران‌های روحی و روانی گرفتار می‌سازد.

۳) **عدالت و قسط** فرهنگ جهانی باید از عدالت برخوردار باشد تا به این موارد برسد:  
الف) از قطبی‌شدن جهان، بهره‌کشی ظالمانه برخی انسان‌ها و جوامع از برخی دیگر و در نتیجه پایمال‌شدن حقوق انسان‌ها جلوگیری می‌کند.

ب) از تفرقه بین جوامع و تباه‌شدن منابع و امکانات بشر پیشگیری می‌کند. فرهنگ جهانی باید در لایه‌های مختلف خود به این ارزش معتقد و پایبند باشد.

۴) **آزادی و حریت** برخی قید و بندها مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی‌اش می‌شوند و زمینه ظلم را بر او فراهم می‌کنند؛ فرهنگ جهانی باید آزادی از این قید و بندها را تأمین کند. آزادی همواره دو پرسش به همراه دارد: الف) آزادی از چه؟ ب) آزادی برای چه؟

به این پرسش‌ها براساس ارزش‌های جهان‌شمول دیگر مانند حقیقت، معنویت و عدالت پاسخ داده می‌شود.

فرهنگ مسئول، نقطه مقابل فرهنگ‌های جبرگراست.

- ۵) **مسئولیت و تعهد**
- آن‌ها نقش انسان‌ها را در تعیین سرنوشتشان انکار می‌کنند.
  - قدرت مقاومت را از آدمیان می‌گیرند.
  - انسان‌ها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کنند.
  - زمینه نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌کنند.
  - انسان در این فرهنگ، نمی‌تواند آینده‌اش را براساس اراده و عمل خود بسازد و محکوم به سرنوشتی محتوم است.
- مثال: طالع‌بینی
- فرهنگ جهانی باید روحیه تعهد و مسئولیت را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینه گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم آورد.



## سطح اول عقلانیت:

- فرهنگ جهانی باید به پرسش‌های بنیادین بشر دربارهٔ انسان‌ها و جهان (مانند پرسش از معنای زندگی و مرگ) پاسخ دهد.

اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد → توانایی دفاع از هویت خود را نخواهد داشت.

## سطح دوم عقلانیت:

- فرهنگ جهانی باید توانایی پاسخ به پرسش‌های ثابت بشر و پرسش‌های متغیر (مانند پیرشدن جمعیت یا بحران‌های زیست‌محیطی) را داشته باشد.

عقلانیت ← فرهنگ جهانی، باید در دو سطح، عقلانیت داشته باشد.

## نکته

تأکید بر اشتراکات و شباهت‌ها در فرهنگ جهانی، مستلزم نادیده گرفتن تفاوت‌ها نیست. قبول تفاوت‌ها و محترم شمردن آن‌ها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد. پذیرش تفاوت‌ها از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت محافظت می‌کند و انگیزهٔ شناخت متقابل جوامع و فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد.

## ♦♦ درس ۳ یازدهم: نمونه‌های فرهنگ جهانی (۱) ♦♦

- در این درس، ۴ نمونه از گونهٔ نخست فرهنگ جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد: (۱) مدینهٔ تغلب، (۲) فرهنگ جهان‌گشایی و امپراتوری، (۳) امپریالیسم، (۴) استعمار.

## ♦♦ ۱- مدینهٔ تغلب ♦♦

ابونصر محمد فارابی در گونه‌شناسی جوامع، یکی از انواع جوامع جاهلی را جامعهٔ «تغلب» می‌نامد.

در جامعهٔ تغلب، مردم برای غلبه‌یافتن بر سایر ملت‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند و این هنگامی پیش می‌آید که همهٔ آن‌ها، شیفتهٔ غلبه بر اقوام و ملل دیگر باشند.

هدف این مردم خوار و مقهور کردن دیگران است. آن‌ها نمی‌خواهند ملت مقهور، مالک جان و مال خود و ... باشد.

چنین افرادی دوست دارند بر یکایک مردم جامعهٔ خود نیز چیره شوند، ولی از آن‌جا که در یک جامعه مردم

برای: (۱) بقای خود، (۲) غلبه بر اقوام دیگر و (۳) جلوگیری از غلبهٔ اقوام دیگر بر خود به هم نیازمندند، ناچارند از چیرگی بر یکدیگر خودداری کنند.

مردم در مدینهٔ تغلب گمان می‌برند که فقط آنان خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگران‌اند (و باید باشند) و از همهٔ جوامع دیگر برترند.

آن‌ها مردم جوامع دیگر را خوار و بی‌ارزش می‌شمرند. این‌گونه اندیشه‌ها در آنان حس خودخواهی را تقویت می‌کند؛ پس همواره می‌خواهند دیگران آنان را ستایش کنند.

گمان می‌برند که ملت‌های دیگر نتوانسته‌اند به موقعیتی که آنان به دست آورده‌اند، برسند و اصولاً چنین سعادت را نمی‌شناسند.

ویژگی‌های مردم در جامعهٔ تغلب

## ♦♦ ۲- جهان‌گشایی و امپراتوری ♦♦

- برخی فرهنگ‌ها و جوامع، سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می‌دانند. در گذشته تاریخ این فرهنگ‌ها (فرهنگ سلطه و استکبار)، امپراتوری‌های بزرگی به وجود آورده است.



## ۳- امپریالیسم

اروپا در پنج قرن اخیر، کانون شکل‌گیری فرهنگ جدیدی است که آن را به نام فرهنگ غرب می‌شناسیم. فرهنگ غرب در این مدت، اشکال مختلفی از سلطه را پدید آورده است. از سلطه غرب با نام‌هایی مانند امپریالیسم و استعمار یاد می‌شود.

- واژه امپریالیسم از امپراتوری گرفته شده است.
- امپریالیسم به هر نوع سلطه‌ای اطلاق می‌شود.
- انواعی دارد: ۱) سیاسی، ۲) اقتصادی، ۳) فرهنگی.

امپریالیسم سیاسی	با اشغال نظامی جوامع ضعیف شکل می‌گیرد.
امپریالیسم اقتصادی	در آن، قدرت اقتصادی یک کشور، بازارها و مواد خام کشور دیگر را تصرف می‌کند.
امپریالیسم فرهنگی	در آن، مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌ای دیگر قرار گرفته است، از بین می‌رود و قوم مغلوب، برتری فرهنگی مسلط را نیز می‌پذیرد.

## ۴- استعمار

- به معنای اشغال یک سرزمین خارجی، با توسل به قدرت نظامی و سیاسی است.
- استعمار کشور فاتح را دولت استعماری و کشور به بند کشیده شده را مستعمره می‌نامند.
- انواعی دارد: ۱) قدیم، ۲) نو، ۳) فرانو.



دوره زمانی	● نوعی جهان‌گشایی و امپراتوری است که از قرن پانزدهم توسط اروپائیان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید.
	● در این مدت، تصرفات اروپائیان از ۳۵ درصد کره زمین به ۶۷ درصد رسید.
علت موفقیت‌ها	<div> <div> (۱) پیشرفت در زمینه دریانوردی </div> <div> (۲) پیشرفت در زمینه فنون نظامی </div> <div> (۳) اقتصاد صنعتی </div> </div>
	● استعمار اروپایی در سده هفدهم و هجدهم میلادی، بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت را برپا کرد.
کارکردها	● اروپائیان در هجوم به قاره آمریکا، برای تأمین سلطه خود، پانزده میلیون سرخ‌پوست را نابود کردند.
زمان شکل‌گیری	پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانه کشورهای مستعمره طی قرن بیستم به وجود آمد.
ابزارها	(۱) کشور استعمارگر با استفاده از شرایط مساعدی که در دوره استعمار ایجاد کرده است، از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره، برای رسیدن به اهداف استعماری خود بهره می‌برد.
	<div> <div> (۲) دولت‌های استعمارگر برای به قدرت رساندن نیروهای خود، از کودتای نظامی نیز استفاده می‌کند. </div> <div> <div> کودتای انگلیسی ۳ اسفند ۱۲۹۹ رضاخان </div> <div> مثال: </div> <div> کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمدرضا پهلوی </div> <div> کودتای آمریکایی - انگلیسی نوژه </div> </div> </div>

**نکته** در استعمار قدیم، استعمارگران حضور مستقیم و آشکار داشتند، اما در استعمار نو، استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند. در استعمار فرانو، استعمارگران و مجریان هر دو پنهان‌اند.





## درس ۴ یازدهم: نمونه‌های فرهنگ جهانی (۱۲)

- در این درس یک نمونه از گونه دوم فرهنگ جهانی، یعنی فرهنگ اسلام، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ویژگی‌های فرهنگ اسلام

- با دعوت فراگیر خود، ایجاد یک فرهنگ جهانی را مورد توجه قرار داده است.
- دین یک عصر و نسل خاص نیست. اصول اعتقادی و ارزش‌های آن، اصول و ارزش‌های ثابتی است که همه انبیا در طول تاریخ برای تبلیغ و ترویج آن‌ها مبعوث شده‌اند.
- پاسخ‌های خاصی به پرسش‌های هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه می‌دهد.

<ul style="list-style-type: none"> <li>● توحید، از خداوند واحدی حکایت دارد که خدای قوم و قبیله خاصی نیست؛ بلکه خداوند همه آدمیان و پروردگار همه جهان‌هاست.</li> <li>● همه موجودات از او پدید آمده‌اند و به سوی او باز می‌گردند. او عالم را حکیمانه آفریده است و تدبیر می‌کند.</li> </ul>	هستی‌شناسی فرهنگ اسلام
<ul style="list-style-type: none"> <li>● انسان از دیدگاه اسلام، موجودی مختار، مسئول، متعهد، دارای فطرتی الهی و خلیفه خداوند در زمین است.</li> <li>● سعادت و عزت انسان در نزدیک شدن به خداوند و رسیدن به مقام خلافت الهی است و شقاوت و ذلت او در فراموشی حقیقت الهی خود و دیگر موجودات و به کارگیری تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های الهی خویش، برای زندگی محدود این جهان است.</li> <li>● انسان مسئول آباد کردن این جهان و موظف به پرهیز از فساد در آن است.</li> </ul>	انسان‌شناسی فرهنگ اسلام
<ul style="list-style-type: none"> <li>● عقل در فرهنگ اسلام، زیباترین و محبوب‌ترین مخلوق خداوند است.</li> <li>● پیامبران برای شکوفایی عقل آدمیان، اجرای عدالت، جلوگیری از چرخش ثروت در دست اغنیا و آزادسازی مستضعفان از حاکمیت مستکبران مبعوث شده‌اند.</li> </ul>	معرفت‌شناسی فرهنگ اسلام

### مراحل گسترش فرهنگ اسلام

- عقاید و ارزش‌ها با پذیرش انسان‌ها به عرصه فرهنگ بشری راه می‌یابند و جلوه و نمود تاریخی پیدا می‌کنند.
- عقاید و ارزش‌های اسلامی در تاریخ گسترش خود، چهار مرحله را پیموده‌اند: (۱) عصر نبوی (۲) دوران خلافت (۳) دوره استعمار (۴) عصر بیداری اسلامی.

- قبل از ظهور اسلام
  - شبه‌جزیره عربستان، فرهنگ جاهلی قبیله‌ای داشت.
  - شمال غربی شبه‌جزیره، تحت نفوذ و سلطه امپراتوری روم و جنوب شرقی آن، تحت تأثیر و سلطه شاهنشاهی ایران بود.
- ۱) عصر نبوی
  - رسول خدا، ۱۳ سال در مکه تحت فشار نظام قبیله‌ای عرب جاهلی بود و بعد از آن، به مدت ۱۰ سال در مدینه، از طریق تشکیل حکومت اسلامی، موانع سیاسی را از بین برد.
  - در سال نهم هجرت، گروه‌های مختلفی برای پذیرش اسلام از سراسر شبه‌جزیره به مدینه آمدند.
  - پیامبر اسلام، پیش از رحلت، نامه‌ای برای دعوت امپراتوری ایران و روم به اسلام، ارسال کرد.

- از زمان رحلت رسول خدا آغاز شد و در طول خلافت اموی، عباسی و عثمانی ادامه یافت.
- عقاید و ارزش‌های جهانی اسلام، فارغ از عملکرد قدرت‌های سیاسی و با تلاش و کوشش عالمان مسلمان، از مرزهای سیاسی و جغرافیایی جوامع مختلف عبور کرد و بر قدرت‌های سیاسی که در این مناطق حضور داشتند، تأثیر گذاشت.
- فرهنگ اسلامی، به دلیل قدرت و غنای خود
- گروه‌های مهاجم بیگانه را درون خود هضم و جذب می‌کرد.
- دست‌کم، گروه‌های مهاجم بیگانه را ناگزیر می‌ساخت که برای بقای خود، در ظاهر از مفاهیم و ارزش‌های دینی استفاده کنند.
- در این دوران، غلبه قدرت‌هایی که در چهارچوب قومی و قبیله‌ای رفتار می‌کردند (مانند سلجوقیان، خوارزمشاهیان، مغولان و عثمانی) مانع می‌شد تا ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اجتماعی آن به طور کامل آشکار شود.

### نکته

- عملکرد فرهنگ جاهلی در دوره‌های مختلف:
- قبل از ظهور اسلام ← فرهنگ شبه‌جزیره عربستان، جاهلی قبیله‌ای بود.
  - در عصر نبوی تا فتح مکه ← در برابر اسلام مقاومت آشکار کرد.
  - پس از فتح مکه ← به ناچار ظاهر اسلامی به خود گرفت.
  - در دوران خلافت ← دوباره در جامعه اسلامی نمایان شد و به تدریج قدرت را در جامعه اسلامی براساس روابط قبیله‌ای و عشیره‌ای سازمان داد.

- در این دوره، دولت‌های استعماری غربی، بخش‌های مختلف جوامع اسلامی را تحت نفوذ و سلطه سیاسی خود درآوردند و با تکیه بر قدرت نظامی و صنعتی خویش، بیشتر سیاستمداران و دولتمردان جوامع اسلامی را مغلوب ساختند.
- دوران استعمار
- قدرت سیاسی جوامع اسلامی که تا قبل از استعمار، بیشتر قومی و قبیله‌ای بود، در دوران استعمار، از طریق سازش با دولت‌های غربی، با قدرت استعمارگران پیوند خورد و استبداد ایلی و قومی به صورت استبداد استعماری درآمد.
- صورت‌های مختلف استعمار، در این دوران نسبت به جامعه اسلامی اعمال شد.

### تفاوت راهبردی استبداد قومی و استبداد استعماری

استبداد قومی و ایلی	استبداد استعماری
دارای هویتی غیراسلامی بود.	دارای هویتی غیراسلامی بود.
پشتوانه و پیشینه‌ای خارج از جهان اسلام نداشت.	در سایه جهان غرب عمل می‌کرد.
از رویارویی مستقیم با فرهنگ اسلامی دوری می‌کرد.	چاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت.
می‌کوشید با رعایت ظواهر اسلامی، ظاهر دینی خود را حفظ کند.	به دلیل این که در سایه قدرت جهان غرب عمل می‌کرد، برای تأمین نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب، مظاهر اسلامی را حذف می‌کرد.
مثال: استبداد ناصرالدین‌شاه	مثال: استبداد رضاخان





در جهان اسلام، در مقابل نفوذ و سلطه فرهنگ غرب، مقاومت‌هایی شکل گرفت که ریشه در فرهنگ اسلامی داشت. متفکران جهان اسلام، خطرات سلطه فرهنگ غرب و فراموشی فرهنگ و هویت اسلامی را گوشزد کردند.

نقطه عطفی در بازگشت به فرهنگ اسلامی در جهان اسلام است.

انقلاب اسلامی ایران } امت اسلامی با الهام از این انقلاب و بازگشت به سوی هویت الهی خود، مرحله جدیدی را در گسترش فرهنگ اسلامی آغاز کرده است.

تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، برای مقابله با سلطه استعمار، از **مکاتب و روش‌های غربی** استفاده می‌شد.

مثال:

ناسیونالیسم: مجموعه‌ای از باورها و نمادها که دلبستگی و تعلق به ملت، سرزمین، نژاد، قوم و زبان را اصل قرار می‌دهد و صرفاً تعلق خاطر و وابستگی به چنین عناصری را آرمان اساسی انسان‌ها و تعیین‌کننده هویت ملت‌ها می‌داند.

مارکسیسم: تفکری برگرفته از اندیشه‌های مارکس است که **انقلاب طبقاتی** (انقلاب کارگران علیه سرمایه‌داران) را تنها راه رهایی از چنگال نظام سرمایه‌داری و مشکلات آن می‌داند.

معایب این روش‌ها:

- وحدت امت اسلامی را مخدوش می‌کردند.
- مورد حمایت مردمی که در دامان فرهنگ اسلامی تربیت یافته بودند، قرار نمی‌گرفتند.

## درس ۵ یازدهم: باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب

- عقاید و ارزش‌های بنیادین هر فرهنگ
  - در پاسخ به پرسش‌های اساسی انسان پدید می‌آیند؛ یعنی همان پرسش‌های هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه.
  - عمیق‌ترین لایه‌های آن فرهنگ را تشکیل می‌دهند.
- در این درس، باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب، یعنی پاسخ فرهنگ غرب به پرسش‌های هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## سکولاریسم و دنیوی شدن

- پاسخ فرهنگ معاصر غرب به پرسش‌های هستی‌شناسانه بشر است.
- جهان‌بینی فرهنگ غرب یا تصور آن از جهان هستی است.
- سکولاریسم به معنای رویکرد دنیوی و صرفاً این جهان به هستی است.
- در این رویکرد، همه ظرفیت‌های انسان، متوجه آرمان‌ها و اهداف دنیوی و این‌جهانی می‌شود.
- در سکولاریسم، ابعاد معنوی انسان و جهان یا به فراموشی سپرده می‌شود، یا به صورت گزینشی، در خدمت اهداف و نیازهای دنیوی قرار می‌گیرد. بر همین اساس باور سکولار در جهان غرب، به دو دسته تقسیم می‌شود:
  - سکولاریسم آشکار
  - سکولاریسم پنهان

سکولاریسم آشکار	باورها و فلسفه‌هایی را شامل می‌شود که آشکارا، ابعاد غیرمادی جهان هستی را انکار می‌کنند.
سکولاریسم پنهان	<p>شامل باورها و فلسفه‌هایی است که</p> <p>آشکارا ابعاد معنوی هستی را نفی نمی‌کنند.</p> <p>بلکه بخش‌هایی از باورهای معنوی و دینی را در خدمت اهداف دنیوی و این‌جهانی قرار می‌دهند و از توجه یا عمل به بخش‌های دیگر سر باز می‌زنند.</p> <p>رویکرد گزینشی جهان غرب به ابعاد معنوی و دینی جهان</p> <p>سبب رشد نهضت‌های جدید دینی (پروتستانتیسم) شده است.</p>

## مقایسه رفتار دنیاگرایان در جهان دینی با رفتار دین‌گرایان در جهان معنوی -

رفتار دنیاگرایان در جهان دینی	در فرهنگ معنوی و دینی، آبادی دنیا هدف مستقل نیست؛ بلکه خود وسیله‌ای است که در خدمت اهداف معنوی قرار می‌گیرد. اگر افرادی که درون فرهنگ دینی زندگی می‌کنند، دنیا را هدف برتر خود قرار داده باشند، از آشکار کردن آن پرهیز می‌کنند و رفتار دنیوی خود را توجیه دینی می‌کنند.
رفتار دین‌گرایان در جهان دنیوی	در جهان غرب، سکولاریسم به صورت جهان‌بینی غالب درآمده است؛ به گونه‌ای که دینداران، ناگزیر هنجارها و رفتارهای دینی خود را توجیه دنیوی و این‌جهانی می‌کنند.



## اومانیسیم و اصالت انسان دنیوی

- مهم‌ترین ویژگی انسان‌شناختی فرهنگ معاصر غرب است.
- اومانیسیم به معنای اصالت انسان دنیوی و این‌جهانی است.
- انسان، بخشی از جهان هستی است. از این‌رو انسان‌شناسی هر فرهنگی، متناسب با هستی‌شناسی آن فرهنگ است.
- بنابراین اومانیسیم (انسان‌شناسی فرهنگ غرب)، از نتایج منطقی سکولاریسم (هستی‌شناسی فرهنگ غرب) است.

### اصالت انسان یا اصالت خدا

<ul style="list-style-type: none"> <li>اگر در کانون هستی یک وجود مقدس و متعالی باشد، هیچ موجودی در مقابل آن نمی‌تواند اصالت داشته باشد و همه موجودات از جمله انسان، آیات و نشانه‌های او خواهند بود.</li> <li>در فرهنگ اسلامی، انسان برترین آیت و نشانه خداوند سبحان و خلیفه او در زمین است و به همین دلیل بر موجودات دیگر برتری دارد.</li> <li>براساس آیات قرآن کریم، انسان هنگامی به کرامت و خلافت دست می‌یابد که به ابعاد دنیوی و این‌جهانی خود محدود نشود و هر چه می‌تواند به خداوند نزدیک‌تر شود. اگر انسان به ابعاد دنیوی خود محدود بماند، گمراه می‌شود و حیاتی حیوانی یا پست‌تر از آن خواهد داشت.</li> </ul>	فرهنگ‌های توحیدی
<ul style="list-style-type: none"> <li>در فرهنگی که نگاه توحیدی ندارد، انسان موجودی صرفاً این‌جهانی است که مستقل از خدا، اجازه هرگونه تصرفی را در دیگر موجودات دارد.</li> </ul>	فرهنگ‌های غیرتوحیدی

### ابعاد ظهور اومانیسیم

- اومانیسیم در بخش‌های مختلف فرهنگ غرب نظیر هنر، ادبیات و حقوق بروز یافته است:

ابعاد	قرون وسطی	دوران مدرن (اومانیسیم)
هنر	<ul style="list-style-type: none"> <li>بر بعد معنوی انسان تأکید می‌کرد.</li> <li>نقاشان، چهره انسان‌های اسوه را در هاله‌ای از قداست ترسیم می‌کردند.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>بر بعد جسمانی و زیبایی‌های بدنی تمرکز می‌کند.</li> </ul>
ادبیات	<ul style="list-style-type: none"> <li>به سلوک‌های معنوی و مکاشفات و مشاهدات الهی انسان توجه دارد.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>حالات روانی آدمیان در زندگی روزمره و این‌جهانی را منعکس می‌کند.</li> <li>رمان در فرهنگ غرب بیشترین اهمیت را پیدا کرده است.</li> </ul>
حقوق	<ul style="list-style-type: none"> <li>مبتنی بر فطرت الهی انسان است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>حقوق بشر بر مبنای اندیشه اومانستی، صرفاً براساس خواسته‌ها، عادت‌ها و تمایلات طبیعی آدمیان شکل می‌گیرد.</li> </ul>

### نکته

- در فرهنگ دینی آن را به صورت آشکار و رسمی اظهار نمی‌کنند؛ بلکه نفس‌پرستی خویش را در قالب مفاهیم دینی پنهان می‌کنند.
- مثال: فرعون از خواسته‌های نفسانی خود پیروی می‌کرد. او ناگزیر بود خود را در زمره خدایان معرفی کند (أنا ربکم الاعلی) تا بتواند موقعیت ظالمانه خود را توجیه کند.
- در فرهنگ مدرن، خواسته‌های دنیوی خود را بدون این‌که نیازی به توجیه الهی و آسمانی داشته باشد، به رسمیت می‌شناسند.

## روشنگری و علوم جدید

روشنگری

راه شناخت حقیقت و موانع شناخت آن را معرفی می‌کند.

روشنگری، به دو معنای عام و خاص تقسیم می‌شود.

- پدیده‌ای مدرن و مربوط به فرهنگ معاصر غرب نیست.
- انبیای الهی از دیرباز برای روشنگری و از بین بردن موانعی آمده‌اند که راه را بر حقیقت بسته‌اند.
- مهم‌ترین ویژگی معرفت‌شناختی فرهنگ معاصر غرب است.
- مبنای معرفت‌شناختی پذیرفته شده در فرهنگ غرب است.
- روشی از معرفت و شناخت است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه شده است.
- در طول چهارصد سال در فرهنگ غرب، شکل‌های مختلفی پیدا کرده است که وجه مشترک همه آن‌ها، کنار گذاشتن وحی و شهود است.

### معانی و پیامدهای روشنگری -

روشنگری		
معنای عام	ویژگی‌ها و پیامدها	
	روشنگری در اسلام	اگر با هستی‌شناسی و انسان‌شناسی دینی همراه باشد، با استفاده از وحی، عقل و تجربه ← تفسیری دینی از انسان و جهان ارائه می‌دهد.
معنای خاص	دوره زمانی	ویژگی‌ها و پیامدها
	قرن ۱۷ و ۱۸	● ویژگی: عقل‌گرایی و نفی وحی ● پیامد: دئیسم (اعتقاد به خدای بدون برنامه برای هدایت و سعادت بشر)
	قرن ۱۹ و ۲۰	● ویژگی: حس‌گرایی، نفی عقل و وحی ● پیامد: پدید آمدن دانش ابزاری و سکولار (علمی که توان داور دربارۀ ارزش‌ها و هنجارها را ندارد).
	از پایان قرن ۲۰	● ویژگی: افول تجربه‌گرایی، نفی تجربه، نفی عقل و وحی ● پیامد: بحران معرفت‌شناختی (ناتوانی در تشخیص درست یا غلط بودن باورها و اندیشه‌ها و خوب یا بد بودن هنجارها و رفتارها)

### روش‌های شناخت جهان -

- در جهان هستی موجودات و پدیده‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام با روش‌های مناسب خود شناخته می‌شوند.
- ۱) روش حسی ← انسان، امور محسوس مانند پدیده‌های طبیعی را از راه مشاهده و حس می‌شناسد.
- ۲) روش عقلی ← امور غیرطبیعی (غیرمحسوس) را باید با روش عقلی شناسایی کرد. از این‌رو، قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی را به کمک عقل و از راه استدلال عقلی می‌شناسیم.
- ۳) شناخت شهودی ← از راه مشاهده حسی و استدلال عقلی به دست نمی‌آید، مثلاً بدون مشاهده و استدلال، به غم و شادی درون خود پی می‌بریم.
- انواع و مراتبی دارد. وحی نوعی از شناخت شهودی است که انسان را به استفاده از حس و عقل فرامی‌خواند.
- در فرهنگ دینی اسلام، عقل، وحی و تجربه، روش‌های شناخت حقیقت‌اند.